

Research Article

The Effect of Shahīd Bihishtī's Ummat and Imāmat (Nation and Leadership) System in Compiling the Constitution¹

Sajjad Panahi¹, Ali Mohseni²

¹ Ph.D. Student in Political Thought, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. panahi116@gmail.com

² Assistant Professor, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (Corresponding Author). Dr.amohseni@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to explain the key role of Wialī-i Faqīh (Islamic jurist) in guiding a democratic Islamic society. In this regard, the main research question is whether Shahīd Bihishtī's Ummat and Imāmat theory could have explained the position of Wilāyat-i Faqīh with respect to people's right to choose their own destiny. The method of study is descriptive analysis and the results showed that Shahīd Bihishtī as a propagator of religious thought could design divine freedom as the important goal of Iran's Islamic revolution in compiling the constitution of the Islamic Republic of Iran and within the framework of the nation's divine rights, and then he implemented that as an efficient software in social life and the main axis of Iranian-Islamic power execution. Since materialistic schools especially liberalism, with the slogan of individual and social freedom, attract public and elite as it also had some fans among the western members of the Assembly of Experts who compiled the constitution, Shahīd Bihishtī supporting the Islamic principles criticized the intellectual resource of liberalism and revealed the superficial nature of freedom in liberalism and he regarded that without any divine origin or source and considered it as a drawback and shortfall for this materialistic school. He believed that freedom has a Godly source and is manifested with absolute awareness.

Keywords: Wilāyat-i Faqīh (Guardianship of the Islamic Jurisprudent), Ummat (Nation), Constitution, Democracy, Shahīd Bihishtī, Freedom

1. **The present research is extracted from:** the Ph.D. thesis of Sajād Panāhī entitled "A Survey of the Effect of Shahīd Muhammad Bāqir Sadr and Shahīd Muhammad Hussayn Bihishtī's Political Idea in Compiling the Constitution of the Islamic Republic of Iran", presented in the department of political science at Islamic Azad university of Qom.

* **Received:** 2020/01/15 ; **Accepted:** 2021/01/02

** Copyright © the authors

*** <http://se.journal.qom-iau.ac.ir/>



تأثیر نظام اَمّت و امامت شهید بهشتی در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۱

سجاد پناهی^۱، علی محسنی^۲

^۱ دانشجوی دکتری اندیشه‌های سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. panahii16@gmail.com

^۲ استادیار، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). Dr.amohseni@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین نقش کلیدی ولی فقیه برای هدایت جامعه اسلامی مردم‌سالار می‌باشد. در این راستا، سوال اصلی پژوهش این است که آیا نظریه اَمّت و امامت شهید بهشتی توانسته جایگاه و موقعیت ولایت فقیه را با رعایت حق تعیین سرنوشت برای مردم تبیین نماید؟ روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که شهید بهشتی به عنوان مروج اندیشه دینی توانست آزادی الهی را تحت عنوان آرمان مهم انقلاب اسلامی ایران در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در قالب حقوق الهی مَلّت مهندسی نموده و در سلک یک نرم‌افزار کارآمد در زندگی اجتماعی و محور اصلی اعمال قدرت اسلامی - ایرانی قرار دهد. از آنجایی که مکاتب مادی بویژه مکتب لیبرالیسم با شعار آزادی فردی و اجتماعی، مردم و خواص را به سوی خود می‌کشاند و طرفدارانی هم در بین اعضاء غرب‌گرای مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی داشت، شهید بهشتی با پشتیبانی مبانی اسلامی، آبخور فکری مکتب لیبرالیسم را مورد انتقاد قرار داد و پرده از شکاری و ظاهری بودن آزادی در مکتب لیبرالیسم برداشته و آن را فاقد ریشه و منشاء الهی می‌دانست و این را یک ضعف و نقص برای این مکتب مادی تلقی می‌کرد. ایشان معتقد بود آزادی، منشاء الهی داشته و با آگاهی مطلق به منصف ظهور می‌نشیند.

کلیدواژه‌ها: ولایت فقیه، اَمّت، امامت، قانون اساسی، مردم‌سالاری، شهید بهشتی، آزادی.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری سجاد پناهی، با عنوان «بررسی تأثیر اندیشه سیاسی شهید سید محمدباقر صدر و شهید سید محمدحسین بهشتی در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ارائه شده در گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم است.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

۱. مقدمه

انسان از بدو تولد گیتی در پی کشف راهی مطمئن برای بهتر زیستن بوده است. در اعصار تاریخی گذشته، بعضی از صاحبان اندیشه با خلاقیتی شگرف، موقعیت‌های سترگی در فرایند حیات اجتماع بشر خلق نموده و باعث نجات جامعه بشریت از یوغ هژمونی زیاده‌خواهان و فرصت‌طلبان دیکتاتور شده‌اند و سخت کوشیدند تا بهترین نوع حکومت را برای بشر تشنه به عدالت اجتماعی ترسیم نمایند. می‌توان از افلاطون و ارسطو در عهد یونان باستان، به عنوان طلایه‌داران سیاست اجتماعی یاد کرد. در قاموس ادیان الهی، بویژه دین مبین اسلام، بزرگان فراوانی یافت شده که اندیشه و فکرشان منشاء دولت‌سازی، دولت‌یاری و وضع قوانین بوده است، از جمله: در عصر مشروطه مانند علامه نائینی، شهید شیخ فضل‌الله نوری و آخوند خراسانی، و در عصر انقلاب اسلامی امام خمینی، شهید صدر و شهید بهشتی، که در خصوص نوع حکومت، منابع حکومت، نحوه اعمال قانون در حکومت، نظارت بر حکومت، ویژگی حاکم، قدرت حاکمیت، آزادی اجتماعی جایگاه مردم در تأسیس نهادهای قانونگذار و حاکمیت سیاسی و اجتماعی تلاش‌های زیادی نموده‌اند، هرچند اختلاف‌نظرهایی داشته‌اند.

محوری‌ترین بحث علما از عصر مشروطه تا انقلاب اسلامی در خصوص زعامت امت اسلامی، مقبوله عمر حنظله است. حدیث معروفی است از امام صادق(ع) که در مباحث مهم فقه و اصول مانند تعارض ادله و ولایت فقیه مورد استفاده قرار می‌گیرد که امام خمینی در سلسله سخنرانی‌های تاریخی خود که با موضوع ولایت فقیه و حکومت اسلامی در سال ۱۳۴۸ در شهر نجف ایراد کرده‌اند، از نظریات علامه نائینی به عنوان یکی از پیش‌درآمدهای بحث ولایت فقیه نام برده، و در خصوص شئون فقیه به نظرات علامه نائینی اشاره کرده است که همان استفاده از مقبوله عمر بن حنظله می‌باشد (بهشتی، الف ۱۳۶۱، ص ۴۸، ۴۸۲).

نظریه امت و امامت آیت‌الله بهشتی ریشه در این مقبوله دارد، یعنی مشروعیت هر چیز در حکومت و نوع قانونگذاری را، ناشی از تبعیت عملی از فقیه جامع‌الشرایط می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص ۷۵، ۱۲۵). ولی مقبولیت در اختیار مردم است. در واقع بعضی علما به ویژه شهید بهشتی در بحث چگونگی نوع حکومت و حاکمیت به قاعده مشروعیت

الهی و مقبولیت نسبی مردمی می‌رسند، یعنی برخی امور حکومتی را ثابت می‌دانند. اما به منصفه ظهور نشستن این مرام را منوط به رأی ملت می‌دانند. ولی در عصر غیبت با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی ظرف زمان و مکان، بین بد و بدتر، دفع افسد به فاسد این مدل حکومت قدر مقدور است، نه غایه القصوی و کمال مطلوب است (نائینی، ۱۴۲۴ق).

شهید بهشتی در میان شخصیت‌های سیاسی و مذهبی به دلیل احاطه به مبانی دینی و آشنایی با مکاتب و نظام‌های سیاسی، شناخت شرایط و مقتضیات کشور و هدایت عالمانه و مدبرانه مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی، در گنجاندن حقوق امت و امامت در ساختار نظام سیاسی، بیشترین نقش را در تنظیم، تدوین، تصویب و به ثمر رساندن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ایفا نموده‌اند (هاشمی، بی‌تا، ص ۴۰؛ پورموزن، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶).

۲. سوال پژوهش

سوال اصلی پژوهش حاضر این است که آیا نظریه امت و امامت شهید بهشتی توانسته جایگاه و موقعیت ولایت فقیه را با رعایت حق تعیین سرنوشت برای مردم تبیین نماید؟

۳. اهداف پژوهش

هدف اصلی: هدف اصلی پژوهش حاضر روشن ساختن نقش کلیدی ولی فقیه برای هدایت جامعه اسلامی مردم‌سالار است، زیرا هیچ جامعه‌ای نیست که بدون الگو و راهبر بتواند مسیر واقعی را کشف و طی نماید.

اهداف فرعی: تبیین نظریه امت و امامت در راستای تعیین سرنوشت مردم در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل ۵۶) که براساس حکومت توحیدی ترسیم شده و حق نظارت امت بر امامت لحاظ گردیده است.

۴. فرضیه

هرچند که اصل ولایت فقیه مشروعیت الهی دارد، ولی این مقبولیت مردمی است که اصل مشروعیت را به منصفه ظهور می‌نشانند و دستورات و منویات ایشان را در جامعه ساری و جاری می‌کند.

۵. اهمیت و ضرورت

هر تئوری که بتواند جامعه را بهتر از تئوری‌های پیشین اجتماعی اداره کند، اهمیت و ضرورت دارد که توسط نخبگان و پژوهشگران هر جامعه مورد نقد و بررسی قرار گیرد. لذا براساس پژوهش حاضر نظریه امت و امامت از هر حیث برای جامعه کنونی بویژه جامعه اسلامی امری انکارناپذیر می‌باشد، زیرا به انسان اختیار و آزادی قانون‌مدارانه داده و در عین حال علاوه بر عقل جمعی بشری، یک تکیه‌گاه مطمئن الهی به عنوان سخن خداوند (وحی) هم لحاظ نموده است تا دستاوردهای عقلی، بهتر و بیشتر در ابعاد گوناگون زندگی انسان دیده شود و منافع اجتماعی عیارش بالاتر رود.

۶. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری پیرامون قانون اساسی انجام شده است، ولی اکثراً بر حاشیه بوده و کم‌تر دارای تبیین‌های جوهری می‌باشد و بسیار ناچیز به اصول خاص قانون اساسی اشاره شده است. به ویژه جایگاه ولی فقیه و تعیین سرنوشت مردم کم‌تر مورد عنایت و واکاوی قرار گرفته است.

نوآوری پژوهش حاضر را نیز می‌توان از دو جهت ترسیم کرد:

انسان در نظام امت و امامت از دو دریچه دیده شده است که سنخیت با خلقت او توسط ذات باری تعالی دارد و آن عبارت است از:

الف) انسان عاقل و معتقد به خرد جمعی بوده، ولی در عین حال عقل به تنهایی برای هدایت و رستگاری بشر کافی نیست و نیاز به ریسمان محکم‌تر دارد، زیرا ممکن است عقل، انسان را تک بعدی ببیند.

ب) انسان عاقل معتقد به وحی الهی می‌تواند وحی را دژ و تکیه‌گاه محکم و مطمئن برای عقل جمعی قرار دهد، زیرا عقل به کمک وحی قادر است حقیقت خلقت انسان را کشف نموده و جوهر مادی و معنوی انسان را لمس کند و مسئولیت انسان را به او گوشزد نماید و او را قانونمند و قانون‌مدار سازد.

۷. مفاهیم و کلیات

مفهوم و برداشت از حدیث مقبوله عمر بن حنظله:

استفاده از مقبوله عمر بن حنظله به این دلیل است که پژوهش حاضر باور دارد، ریشه

نظریه اَمّت و امامت شهید بهشتی در این مقبوله است، زیرا عمر بن حنظله می‌گوید: روزی از امام صادق(ع) درباره دو نفر از دوستان شیعه، که نزاعی (در مورد قرض یا میراث) در بینشان بود و برای رسیدگی، به قضات وقت مراجعه کرده بودند، سؤال کردم که آیا این رواست؟ امام(ع) فرمودند: هر کس در مورد دعوی حق یا ناحق به ایشان مراجعه کند، در حقیقت به طاغوت (قدرت حاکمه ناروا) مراجعه کرده است و هرچه را که به حکم آنان بگیرد، در حقیقت به حرام گرفته است. گرچه آنچه گرفته، حق مسلم او بوده باشد، زیرا به حکم، رأی و قدرت طاغوتی گرفته است که می‌بایست به آن کافر باشد، «یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت و قد امروا ان یکفروا به». عمر بن حنظله می‌پرسد: پس چه باید کرد؟ امام(ع) می‌فرمایند: باید به کسی مراجعه کرد که حدیث و روایت ما را شناخته و حلال و حرام مرا می‌داند و در واقع صاحب‌نظر است، زیرا ما او را بر شما حاکم قرار دادیم، پس آنگاه که به حکم ما حکم کرد و از ایشان نپذیرفتند، بی‌گمان حکم خدا را سبک شمرده و به ما پشت کرده‌اند و کسی که به ما پشت کند، به خداوند پشت کرده و این در حدّ شرک به خداوند است، علما بویژه شهید بهشتی از این بخش حدیث، برای اثبات ولایت فقیه (امّت و امامت) استفاده کرده‌اند، «فانی قد جعلته علیکم حاکما» (کلینی، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۴۱۲؛ امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۴۸۰).

الف) نوع حکومت

- شهید بهشتی نظام‌های سیاسی زیر را برای نظام اَمّت و امامت کارآمد می‌دانست.
- ۱- نظام سیاسی که از فرهنگ دیگری أخذ نشده باشد.
 - ۲- نظام سیاسی که مانند نهضت مشروطه، عاریه و متأثر از ادبیات غرب نباشد.
 - ۳- نظامی که قابل قیاس با هیچ نظامی نباشد، یعنی مکتبی و غیر تحمیلی باشد.
 - ۴- نظامی که در رأس آن اصول کلی و عمل اسلامی طبق کتاب و سنت جاری و ساری باشد.
 - ۵- نظامی که در رأس آن شخصیتی مانند پیامبر(ص)، هم‌فکر و همراه مردم باشد.
 - ۶- نظامی که میان رهبران آن و مردم، هیچ فاصله‌ای نباشد (شفیعی دارابی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۹-۱۶۲).

ب) نسبت اسلامیت (ولایت فقیه) با جمهوریت

شهید بهشتی با یک ذوق و هنر خاص مدیریتی که ریشه در عبرت تاریخی داشت، توانست دو واژه راهبردی جمهوریت و اسلامیت را در قانون نظام امت و امامت قرینه یکدیگر قرار داده و عدم هر کدام را برای تشکیل حکومت غیرممکن سازد، تا هم حق تعیین سرنوشت مردم نهادینه شود و هم تمام امور کشور، مستقیم و غیر مستقیم، متکی بر آرای ملت بوده و اعتقاد اکثریت جامعه، حرمت و جایگاه قانونی داشته باشد، مانند اصل مترقی ولایت فقیه، که موضوع جوهری اصل پنجم قانون اساسی است و متن آن توسط ایشان نوشته و تنظیم شده است: «در زمان غیبت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل، باتقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم، عهده‌دار آن می‌گردد» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴، ص ۳۷۶؛ بهشتی، ۱۳۶۱ب)

شهید بهشتی ولایت فقیه را به عنوان مرجعیت سیاسی و رهبری اجتماعی می‌داند که تفاوت عمده‌ای با مرجعیت علمی و فقهی دارد، زیرا:

- ۱- مرجعیت علمی مربوط به حوزه تکالیف فردی و روابط افراد با یکدیگر است.
 - ۲- مرجعیت سیاسی و رهبری مربوط به حوزه اجتماعی و عمومی می‌باشد.
- شهید بهشتی با تفکیک قوا به روش مونتسکیو مخالف بود، زیرا اعتقاد داشت که باید هر سه قوه تحت نظر ولی امر مسلمین، براساس نظریه امت و امامت قرار بگیرد (مندرج در اصل ۵۷ قانون اساسی) و این باور و اعتقاد خود را چنین توجیه می‌کرد: اگر قوای سه‌گانه زیر نظر ولایت امر و امامت امت قرار بگیرد، دچار اختلاف نظر نخواهد شد. اگر هم در فرایند کار به موانعی برخورد نمایند، مرجع کل طبق قانون، حل و فصل خواهد کرد. وجود مرجع کل، باعث عدم اختلاف و یا حل اختلاف شده و از طرفی در تصویب، تأیید و اجرای مصوبات تسریع خواهد شد و این عموم مردم هستند که بهره‌مند می‌شوند (صورت مشروح مذاکرات مجلس در بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۵۷۳۱؛ ورعی و همکاران، ۱۳۹۰).

شهید بهشتی معتقد است، موقعی واژه ولایت فقیه بر فقیه عادل اطلاق می‌شود که فقیه

تمامیت و شأنت داشته باشد. این امتیاز را مردم از دو راه به فقیه عادل، شجاع، زمان‌شناس و دشمن‌شناس می‌دهند که عبارتند از:

- پذیرش فقیه و اقبال عملی از دستورات فقیه مانند: مقبولیت امام خمینی از طرف مردم ایران در سال ۱۳۵۷، که با تبعیت از دستورات ایشان، ولایت امام به منصف ظهور نشست.

- انتخاب امام خامنه‌ای که به صورت غیرمستقیم از طرف ملت، توسط خبرگان مردم صورت گرفت که درست این دو روش در اصل پنجم قانون اساسی احصاء شده و انتخاب ایشان علاوه بر قانون اساسی در سخنان امام خمینی نیز آمده است. بعضی از خواص خاص موقع تدوین قانون اساسی، اصل پنجم قانون اساسی (ولایت فقیه) را کافی دانسته و اصل ۵۶ (حق تعیین سرنوشت اجتماعی) را ضروری نمی‌دانستند که شهید بهشتی با توجه به حق تعیین سرنوشت امت، از حقوق مردم دفاع نموده و اصل ۵۶ را نیاز ضروری دانسته و بر وجود آن در قانون اساسی تاکید کرده‌اند (صورت مشروح مذاکرات مجلس در بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۵۷۳۳).

ج) سه اصل اسلامی در امر حکومت دینی جهان‌شمول

- ۱- اصل لزوم عدالت در حاکم اسلامی، که همان لحاظ کردن شایسته‌سالاری است.
- ۲- اصل آزادی مسلمین در رأی به حاکم و تعیین سرنوشت خود که همان مقبولیت اجتماعی است.
- ۳- اصل استقلال کشور اسلامی از دخالت اجانب و تسلط آنها بر مقدرات مسلمین که همان استقلال و تمامیت ارضی جهان اسلام می‌باشد (ورعی و همکاران، ۱۳۹۰).

د) جایگاه مردم در نظام امت و امامت

حقوق امت

شهید بهشتی چند ماه قبل از بررسی قانون اساسی در مجلس خبرگان، درباره مبنای حق تعیین سرنوشت مردم در نظام اسلامی گفتند: «قانون اساسی به فرد اصالت نداده است، البته نه به این معنا که انسان در نظام و محیط اجتماعی هیچ نقشی ندارد و فرد بازیچه سرنوشتی است که محیط اجتماعی برایش تعیین می‌کند، بلکه هر انسانی خودش سرنوشت‌ساز است. انسان نه محکوم جبر محیط اجتماعی بوده و نه صددرصد حاکم بر محیط اجتماعی است،

بلکه انسان تا حدودی می‌تواند سرنوشت خود را بسازد» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۹ خرداد ۱۳۵۸؛ رجایی، ۱۳۸۲؛ سرابندی، ۱۳۸۶).

یکی از مباحثی که شهید بهشتی نقش کلیدی در تدوین و آراستن آن داشته، احصاء فصل سوم قانون اساسی است که به حقوق امت اختصاص دارد و از اصل نوزدهم تا اصل چهل و دوم ادامه دارد و با تشریح و تبیین حقوق امت در عرصه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مبانی فقهی، توانست حقوق شهروندی را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تضمین کند (ورعی و همکاران، ۱۳۹۰).

شهید بهشتی حقوق امت را بر مبانی چند، پایدار ساخته و قاطعانه از آنها یاد و پشتیبانی کرده که عبارتند از:

۱. توحید و انحصار حاکمیت در خدای متعال،
 ۲. اعتقاد به وحی الهی و نقش بنیادین آن در بیان قوانین، که تنها نقطه امتیاز این نظام از نظام‌های سیاسی دیگر است،
 ۳. اعتقاد به معاد و نقش سازنده آن در تکامل انسان، عدل خداوند در تکوین و تشریح، و امامت و رهبری مستمرامت و اصول سه‌گانه: کرامت و ارزش، آزادی و اختیار و مسئولیت انسان را پذیرفته بود (بندهای شش‌گانه اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی). اصول سه‌گانه بالا درباره انسان، جزء جهان‌بینی انقلاب ما است و در چنین مکتبی که اعتقاد دارد در پیکر مادی انسان، نفخه الهی دمیده است، می‌تواند سرچشمه حقوق امت که در قانون اساسی جمهوری اسلامی انعکاس یافته، باشد (مهاجری، ۱۳۶۱).
- شهید بهشتی در مجلس خبرگان قانون اساسی از حق تعیین سرنوشت مردم توسط خودشان دفاع کرده، و آن را تبیین و تشریح نموده و نسبت اصول بیست و چهارگانه فصل سوم را با اصول دیگر قانون اساسی مثل «ولایت فقیه» روشن کرده است. از نگاه وی، انسان با ویژگی‌های کرامت و آزادی توأم با مسئولیت در برابر خداوند، دارای حق تعیین سرنوشت بوده و کسی نمی‌تواند خارج از اراده او برایش سرنوشتی تعیین کرده و بر او تحمیل نماید. «حق حاکمیت» نیز از «حق تعیین سرنوشت» سرچشمه می‌گیرد. وی حاکمیت ملی را از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی دانسته و بر این باور بوده که حق حاکمیت، ریشه در اختیار انسان داشته و هیچ ارتباطی با نژاد خاص، سلسله خاص و

ویژگی‌های خاص ندارد (مذاکرات شورای انقلاب اسلامی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۷، جلسه ۳۱ خرداد ۱۳۵۸).

جایگاه واژه‌هایی مانند حاکمیت ملی، ادیان الهی، تفاوت حاکمیت ملی در نگرش‌های مختلف بویژه دین، در ادبیات سیاسی جهان برای شهید بهشتی ملموس و آشنا است. وی بر این باور است که نگرش انسان‌ها در جوامع مکتبی به دلیل تعهدآور بودن، دین بر مسائل اجتماعی اولویت دارد (مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۵۲۲-۵۲۳؛ ۴۰۵-۴۰۶؛ بهشتی، بی‌تا).

شهید بهشتی مبنای اعتبار قانون اساسی را مردم می‌دانست. لذا، پیش‌بینی برای بازنگری یا تغییر و غیر قابل تغییر آن را ضروری نمی‌دانست، چون ایمان راسخ داشت که چیزی که اعتبار قانونی‌اش را از یک مبنایی می‌گیرد، هیچ وقت نمی‌تواند نفی‌کننده اعتبار همان مبنا برای نوبت بعدی باشد. وی میان «اعتبار شرعی» و «اعتبار قانونی» تفکیکی قائل نبود، یعنی اعتبار قانونی، قانون اساسی را رأی مردم در همه‌پرسی قانون اساسی می‌دانست و از این جهت مخالف گنجاندن اصولی درباره بازنگری قانون اساسی بود که می‌دانست بازنگری قوانین (اساسی، عادی) امری رایج در دنیا است و نیازی به پیش‌بینی در قانون ندارد و چون هر دو مرحله، یعنی وضع قانون و بازنگری آن توسط نمایندگان ملت صورت می‌گیرد و سپس به تأیید مردم می‌رسد، جای نگرانی نیست (ورعی، ۱۳۹۳).

شهید بهشتی بارزترین و مهم‌ترین ویژگی نظام اسلامی ایران را که نقطه تمایز با دیگر نظام‌های جهان است را اتکاء به آرای عمومی می‌دانست. لذا، در اصل سوم پیش‌نویس قانون اساسی آمده است: آرای عمومی مبنای حکومت است و بر طبق دستور قرآن کریم که «وشاورهم فی الامر» و «امرهم شوری بینهم»، امور کشور باید از طریق شورای منتخب مردم، در حدود صلاحیت آنان و به ترتیبی که ناشی از قانون آن مشخص می‌شود، حل و فصل گردد. جمهوریت نظام می‌طلبد که اداره امور کشور متکی بر آرای مردم باشد، هرچند براساس خرد جمعی، نقش مشورت در نظر قرآن و اسلام بیش از هر چیز، در جهت کامل‌تر بودن تصمیم‌گیری‌ها آمده است. بیان شیوا، رسا و استدلال منطقی ایشان باعث شد تا دو اصل ششم و هفتم به صورت جداگانه در قانون اساسی مورد اجماع اعضای خبرگان قرار گیرد (صورت مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۲۷؛

بهشتی، ۱۳۸۵).

ر) انسان در نظام امت و امامت

شهید بهشتی ضمن شناخت عمیق مبانی دینی و جهان‌شمول بودن سیطره فکری و تسلط وصف‌ناپذیری که از مبانی مکاتب و نظام‌های سیاسی روز دنیا داشت، معتقد بود که نگاه مکاتب به انسان، به دو گونه است: انسان مجبور و انسان آزاد. حدود این اجبار و آزادی هم در مکاتب متفاوت است. منظور از این آزادی، آزادی در تکوین، آزادی در سرنوشت انسان و نقش او در خودسازی انسان است. در پی آزادی، مسئولیت انسان در راه تکامل خود و دیگران مطرح می‌شود. انسان در مرحله اول، مسئول ساختن خویش است. در نظام توحیدی، اکسیر آزادی، پذیرش مسئولیت و عدم بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت خود و دیگران می‌باشد. هرچند که مسئولیت، بدون بهره‌مندی و بهره‌برداری از آزادی به سرانجام مفیدی نمی‌رسد، این نظر کاملاً بر رویکرد قرآنی منطبق بوده و بر نقش انسان در تعیین سرنوشت اجتماعی خود و جامعه سازگار است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»، «خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنکه خودشان تغییر بخواهند» (رعد، ۱۱؛ پورمؤذن، ۱۳۸۷؛ طالبی دارابی، ۱۳۸۵).

آزادی در قاموس فکری شهید بهشتی یعنی «تسلط انسان بر ساختن خویش و ساختن محیط خویش. ایشان با این تعریف در واقع دو معنای متمایز آزادی را برای انسان در حال تکامل یادآور می‌شود که البته وابستگی تام و تمامی با یکدیگر دارند. این دو معنای متمایز از آزادی عبارتند از: آزادی به معنای یک نیاز عمیق و اصیل درونی که هر فردی به‌طور طبیعی خواهان آن است و از عدمش رنج می‌برد و دیگری، آزادی به معنای یک واقعیت اجتماعی است. شهید بهشتی دو معنای متفاوت آزادی، یعنی معنای فردی و معنای اجتماعی را از هم تفکیک می‌کند. معنای فردی آزادی، خواستی است ذاتی و درونی و به شخص انسان مربوط می‌شود و معنای اجتماعی آن واقعیتی است اجتماعی که به نوع روابط اجتماعی مربوط می‌شود. در نگاه شهید بهشتی، آزادی فردی یعنی «آزادی از قیدوبند» و «انسان هنگامی قیدوبند را احساس می‌کند که بدان آگاهی و نیز حساسیت داشته باشد. از نگاه وی، نخستین و مهم‌ترین عامل برای رسیدن به آزادی، آگاهی و شناخت است. نکته‌ی بسیار مهم در اندیشه‌ی ایشان این است که آزادی را از بی‌بندوباری

جدا می‌کند و معتقد است حدود آزادی باید از طریق قانون معین شود. شهید بهشتی ارج و تقدس دفاع از آزادی اجتماعی را نیز به این دلیل می‌داند که آزادی از یک خواسته و نیاز درونی ناشی می‌شود و به همین دلیل است که می‌گوید: کسی که از این نوع آزادی دفاع می‌کند، در حقیقت دفاع از آزادی جامعه، دفاع از انسان و در واقع دفاع از کلیه‌ی خواسته‌ها و نیازهای اصیل انسانی می‌باشد. آزادی اسلامی از نگاه وی ایراد لیبرالیسم غربی را ندارد، زیرا صرفاً مبتنی بر عقل ناقص بشری نیست و در واقع همین عقل است که با تأیید ناتوانی خود و شناخت منبع موثقی به نام وحی به سمت آن حرکت می‌کند تا بتواند راه تکامل اجتماعی را بی‌یامد (لک‌زایی، ۱۳۸۵).

(و) نظارت امت بر امامت

شهید بهشتی معتقد بود هرچند نظام سیاسی جمهوری اسلامی، نظام امت و امامت است، اما برای امت حق نظارت بر امام غیرمعصوم پابرجاست، تا خدای ناکرده جامعه از مسیر صحیح خود منحرف نشود. البته قانون طبق اصل یکصد و دوازدهم (هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مندرج در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد) این نظارت را پیش‌بینی کرده که جزء وظایف خبرگان رهبری است.

اصل یکصد و یازدهم (قبل از بازنگری): هرگاه رهبر یا یکی از اعضای شورای رهبری از انجام وظایف رهبری ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصل یکصد و نهم گردد، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر بر عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم است (صورت مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۹۰؛ بهشتی، الف ۱۳۶۱، ص ۱۷۰۱۸۱).

(ه) جایگاه مجلس و امامت

در اصل ۵۸ قانون اساسی، جایگاه حقوقی قوه مقننه تعبیه شده که می‌بایست مصوبات و کلای مردم پس از تصویب در صحن مجلس به شورای نگهبان که یک نهاد نظارتی، از سوی حاکمیت است، فرستاده شود، و این شورا از آنجایی که مسئول صیانت از قانون اساسی است، می‌بایست مصوبات مجلس را با قانون اساسی و شارع مقدس تطبیق نموده و

عدم مغایرت یا مغایرت آن را مشخص کند و به اطلاع مجلس برساند و در صورت مغایرت، مجلس دو گونه می‌تواند عمل نماید:

الف. مغایرت مصوبه را برطرف یا اصلاح کند و جهت تأیید به شورای نگهبان عودت دهد.

ب. مجلس روی مصوبه قبلی تأکید نماید که در این صورت می‌بایست مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شود و حرف آخر را مجمع خواهد زد، یعنی سه امکان وجود دارد:

- عین مصوبه را تأیید نماید (یعنی نظر مجلس)،

- نظر شورای نگهبان را صاحب بداند،

- آن را مسکوت بگذارد.

در صورتی که مصوبه، توسط شورای نگهبان یا مجمع تأیید شود، می‌بایست به امضاء رئیس جمهوری برسد و به عنوان اسناد بالادستی، جهت اجراء، ابلاغ شود (صورت مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۰۸۰؛ هدایت‌نیا گنجی، ۱۳۸۲).

۸. نتیجه‌گیری

از دیرباز اندیشه‌های فقه اسلامی تأثیر بسزایی در نحوه حکومت‌داری، قانونگذاری و نظارت بر اجرای قانون داشته و آثار وحی الهی و سیره نبوی (ص) بر تدوین قوانین اسلامی خودنمایی کرده و می‌کند و بر واژه‌هایی مانند: آزادی، گذشت، برابری، برادری، امر به معروف و نهی از منکر و عدالت اجتماعی کاملاً مشهود است. آئین و دستورالعمل‌های خداوند متعال در قرآن کریم از سوی پیامبر اعظم (ص) به همه مردم، به عنوان نسخه نجات‌بخش ابلاغ شده است. آن حضرت با سخنان و نامه‌های خود که ریشه در قوانین الهی داشتند، بر سلاطین بزرگ عهد خود که کشورهای بزرگ و گسترده‌ای تحت نفوذشان بود (روم، ایران)، ابلاغ نمود که تأثیر بسیاری گذاشته و باعث عبرت تاریخی برای همه جوامع اسلامی و غیراسلامی شده است (جلیلی مراد، ۱۳۹۲، ص ۱۵). اکسیر اندیشه اندیشمندان جهان براساس قاعده زمان و مکان متفاوت است، یعنی هر اندیشمندی براساس شاکله فکری و جو حاکم بر موقعیت سلوکی خویش، اندیشه‌سازی کرده و با بکارگیری

واژه‌های کلیدی ادبیات نحله علمی خود، قلم‌فرسایی کرده و می‌کند. لذا، در این حیطه سه دیدگاه خودنمایی می‌نماید که عبارتند از:

الف) اندیشه دینی که دین را سرلوحه افکار و اندیشه خود قرار داده و زیر بیرق دین قلم‌فرسایی کرده و طبق ارزش‌های دینی اندیشه‌سازی نموده و خوانندگان خود را به این سو هدایت می‌کند که فاعل یا خالق نظریه امت و امامت جزء این گروه از اندیشه‌ورزان است.

ب) اندیشه سکولاری که دین را مقوله جدا از سیاست و امورات اجتماعی بشری دانسته و سیاست‌گذاری، حکومت‌داری و قانون‌گذاری را زمینی و غیرالهی انگاشته و معنویت را فردی و غیراجتماعی تلقی کرده و خوانندگان خود را به این سمت و سو سوق می‌دهد.

ج) اندیشه التقاطی یا الحادی، که به طور کلی اندیشه دینی و وجود خداوندی را انکار کرده و همه چیز را بر محوریت مادیت می‌سنجد و خوانندگان خود را به سمت بی‌خدایی می‌کشاند. مثلاً واژه آزادی که یکی از مفاهیم بنیادین در فلسفه سیاسی اسلام است، با نگاه‌های متفاوت دیده شده و شهید بهشتی به عنوان مروج اندیشه دینی، توانست آزادی الهی را تحت عنوان آرمان مهم انقلاب اسلامی ایران در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در قالب حقوق الهی ملت مهندسی نموده و در سلک یک نرم‌افزار کارآمد در زندگی اجتماعی و محور اصلی اعمال قدرت اسلامی- ایرانی قرار دهد. از آنجایی که مکاتب مادی بویژه مکتب لیبرالیسم با شعار آزادی فردی و اجتماعی، مردم و خواص را به سوی خود می‌کشاند و طرفدارانی هم در بین اعضاء غرب‌گرای مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی داشت، شهید بهشتی با پشتیبانی مبانی اسلامی، آبخور فکری مکتب لیبرالیسم را مورد انتقاد قرار داد و پرده از شعاری و ظاهری بودن آزادی در مکتب لیبرالیسم برداشته و آن را فاقد ریشه و منشاء الهی می‌دانست و این را یک ضعف و نقص برای این مکتب مادی تلقی می‌کرد. ایشان معتقد بود آزادی، منشاء الهی داشته و با آگاهی مطلق به منصف ظهور می‌نشیند، یعنی با درک و فهم به موقع انسان ولایت‌مدار، زیر چتر تئوری امت و امامت حاصل می‌آید. همانطوری که خلاقیت‌ها و استعدادها که بسترساز آزادی هستند، منشاء ربوبی دارند، آزادی هم خاستگاه الهی

دارد، پس این استعدادهاى الهى هستند که خلاقیت‌آفرین شده و بستر آزادى فردى و اجتماعى را برای بشر فراهم آورده و مى‌آورند (لک‌زایی، ۱۳۸۵، ص ۵؛ بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۱۱).

منابع

- قرآن کریم.
۱. بهشتی، محمدرضا (۱۳۶۱ الف). اسطوره‌ای بر جاودانۀ تاریخ (راست قامتان جاودانۀ تاریخ اسلام). تهران: واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
 ۲. بهشتی، محمدرضا (۱۳۶۱ ب). حزب جمهوری اسلامی: مواضع تفضیلی. بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی. تهران: بقیعه.
 ۳. بهشتی، محمدرضا (۱۳۸۵). حق و باطل از دیدگاه قرآن. تهران: بقیعه.
 ۴. بهشتی، محمدرضا (بی‌تا). بررسی و تحلیلی از جهاد، عدالت، لیبرالیسم، امامت (مجموعه سخنرانی‌ها). تهران: ستاد برگزاری مراسم هفتم تیر.
 ۵. بهشتی، محمدرضا (۱۳۸۱). آزادی هرج و مرج، زورمداری. تهران: بقیعه.
 ۶. پورمؤذن، منصور (۱۳۸۷). اولین شهید انتقاد از غرب و غرب‌زدگی. پانزده خرداد.
 ۷. جلیلی مراد، آیت‌الله (۱۳۹۲). بررسی تأثیر اندیشه حکومت‌داری شهید بهشتی بر شکل‌گیری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق عمومی. واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی.
 ۸. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۶). کتاب البیع. بی‌جا: اسماعیلیان، ج ۲.
 ۹. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 ۱۰. رجایی، غلامعلی (۱۳۸۲). سیره شهید دکتر بهشتی. تهران: شاهد.
 ۱۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۹ خرداد ۱۳۵۸، ص ۳.
 ۱۲. سرابندی، محمدرضا (۱۳۸۶). سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله شهید بهشتی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 ۱۳. شفیعی دارابی، سید حسین (۱۳۷۲). بهشتی، آئینه تمام‌نمای تشکیلات مکتبی: بررسی مبانی فکری آیت‌الله شهید دکتر بهشتی (گزیده گفتارها و نوشتارهای سمینار تبیین اندیشه‌های آیت‌الله دکتر بهشتی). تهران: بقیعه.
 ۱۴. صورت مشروح مذاکرات مجلس نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۱-۴.
 ۱۵. طالبی دارابی، ابراهیم (۱۳۸۵). انسان و جهان در نظام فکری شهید بهشتی. پگاه حوزه، ۱۸۵.
 ۱۶. کلینی، احمد (۱۴۲۴ق). اصول کافی. تهران: بی‌نا، ج ۴.
 ۱۷. لک‌زایی، شریف (۱۳۸۵). تأملی در آرای دکتر بهشتی: جایگاه آزادی در نظام سیاسی و تربیتی. پگاه حوزه، ۱۸۵.
 ۱۸. مذاکرات شورای انقلاب اسلامی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۷، جلسه ۳۱ خرداد ۱۳۵۸.
 ۱۹. مهاجری، مسیح (۱۳۶۱). بهشتی و انقلاب. تهران: اوج.
 ۲۰. نائینی، محمدحسین (۱۴۲۴ق). تنبیه الامه و تنزیه المله. تصحیح و تحقیق سید جواد ورعی. قم: بوستان کتاب، چاپ سوم.
 ۲۱. ورعی، جواد (۱۳۹۳). حق تعیین سرنوشت از دیدگاه امام خمینی. سیاست متعالیه، ۴، ص ۱۱.
 ۲۲. ورعی، جواد و همکاران (۱۳۹۰). مجموعه اسناد و مدارک تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی. قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.

۲۳. هاشمی، اکبر (بی‌تا). صورت مذاکرات شورای انقلاب اسلامی. به کوشش عباس شیبانی. دفتر اول و دوم (نسخه تایپی).

۲۴. هدایت‌نیا گنجی، فرج‌الله (۱۳۸۲). اندیشه‌های حقوقی شهید بهشتی. تهران: مؤسسه دانش و اندیشه معاصر.

References

The Holy Quran.

1. Klini, A. (1424 AH). **Usul al-Kafi**. Tehran: Bina, Vol. 4. [In Persian]
2. Beheshti, M.R. (1982a). **Myths about the immortality of history (the immortality of the history of Islam)**. Tehran: The cultural unit of the Martyr of the Islamic Revolution Foundation. [In Persian]
3. Beheshti, M.R. (1982b). **Islamic Republic Party: Detailed positions**. Foundation for publishing the works and ideas of Shahid Beheshti. Tehran: Bogheh. [In Persian]
4. Beheshti, M.R. (2006). **Truth and falsehood from the perspective of the Qur'an**. Tehran: Bogheh. [In Persian]
5. Beheshti, M.R. (Bita). **A study and analysis of jihad, justice, liberalism, Imamate (collection of lectures)**. Tehran: The headquarters of the 7th of Tir ceremony. [In Persian]
6. Beheshti, M.R. (2002). **Freedom from chaos, coercion**. Tehran: Bogheh. [In Persian]
7. **Detailed minutes of the negotiations of the final parliament of the Constitution of the Islamic Republic of Iran**. Tehran: General Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Consultative Assembly, 1985, Vol. 1-4. [In Persian]
8. Hashemi, A. (Bita). **Form of negotiations of the Islamic Revolutionary Council**. By the efforts of Abbas Sheibani. First and second notebooks (typed version). [In Persian]
9. Hedayatnia Ganji, F. (2003). **Legal Thoughts of Shahid Beheshti**. Tehran: Institute of Contemporary Knowledge and Thought. [In Persian]
10. Jalili Murad, A. (2013). **Investigating the effect of Shahid Beheshti's governing thought on the formation of the constitution of the Islamic Republic of Iran**. Master Thesis, Public Law. Central Tehran Branch, Islamic Azad University. [In Persian]
11. *Journal of the Islamic Republic*, 20 June, 1979, P. 3. [In Persian]
12. Khomeini, S.R. (2007). **Albeyai**. Bija: Ismailian, Vol.2. [In Persian]
13. Khomeini, S.R. (2000). **Sahifeh Imam**. Tehran: Organization and Publication of Imam Khomeini's Antiquities. [In Persian]
14. Lakzai, Sh. (2006). A reflection on Dr. Beheshti's views: The place of freedom in the political and educational system. *Pegahe Hawzah*, 185. [In Persian]
15. Mohajeri, M. (1982). **Beheshti and Revolution**. Tehran: Uuj. [In Persian]
16. Naini, M.H. (1424 BC). **Tanbih Alomah va Tanzih almelah**. Authenticated by Syed Jawad VaRa'i. Qom: Bustan Kitab, 3th. [In Persian]
17. **Negotiations of the Islamic Revolutionary Council**, Bita, Vol. 2, p. 107, June 20, 1979. [In Persian]
18. Pourmuzen, M. (2008). The first martyr to criticize the West and the West. *Panzdahe Khordad*, 5. [In Persian]

19. Rajaei, Gh.A. (2003). **Biography of Dr. Beheshti**. Tehran: Shahed. [In Persian]
20. Sarabandi, M.R. (2007). **Lectures and interviews of Ayatollah Shahid Beheshti**. Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. [In Persian]
21. Shafi'i Darabi, S.H. (1993). **Beheshti, the full-length mirror of the school organization: a study of the intellectual foundations of Ayatollah Shahid Dr. Beheshti (excerpts from the speeches and writings of the seminar explaining the thoughts of Ayatollah Dr. Beheshti)**. Tehran: Bogheh. [In Persian]
22. Talebi Darabi, I. (2006). Man and the world in the intellectual system of Martyr Beheshti. *Pegah Hoze*, 185. [In Persian]
23. Varej, J. (2014). The right to determine one's own destiny from Imam Khomeini's point of view. *Transcendent Politics*, 4. [In Persian]
24. Varej, J. & et al. (2011). **Collection of documents for drafting the constitution of the Islamic Republic**. Qom: Secretariat of the Assembly of Leadership Experts. [In Persian]

شیوه ارجاع به این مقاله

DOI: 10.22034/sej.2021.1885781.1215

پناهی، سجاد؛ محسنی، علی (۱۴۰۰). تاثیر نظام امت و امامت شهید بهشتی در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *سیهر سیاست*، دوره ۸، شماره ۲۸، ص ۵۷-۷۴.